

۱۹. عنوان کتاب: مبانی نظری امنیت انتظامی

درباره کتاب: امنیت انتظامی مسئله‌ای برآمده از پرسش امنیت است. به عبارت روشن، پرسش عموماً معطوف به چگونگی بوده و برخاسته از جهل مخاطب نسبت به ریشه و شیوه یک وضعیت است. اما، مسئله مربوط به چیستی و چرایی است و برخاسته از آگاهی ناظران و مخاطبان. مسئله هنگامی طرح می‌شود که داده‌هایی اولیه در باب یک امر وجود دارد. به‌عنوان مثال، امروزه در مورد عوارضی چون بیکاری، سرقت، افسردگی، بزهکاری و... اطلاعات مناسبی وجود دارد که با استفاده از آنها می‌توان به شیوه‌ها، حجم، شدت و تنوع عوارض وقوف یافت. اما مسئله از موقعی پا به عرصه وجود می‌گذارد که داده‌های موجود از ارائه پاسخ به معضل جاری قاصرند. بنابراین در شرایطی که داده‌های موجود نتوانند دلیل پیدایش، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده یک عارضه و دلالت‌های آتی را بیان کنند آن پرسش بدل به مسئله می‌شود و آن‌گاه تأمل در چیستی، مؤلفه‌ها و دلالت‌های آن ضرورت می‌یابد. بنابراین، پژوهش حاضر در چنین فضایی، در پی یافتن راه‌حلی بدین مسئله است که امنیت انتظامی چیست، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن، نیروهای موجد اختلال و نیز کارگزار رهایی در آن کدامند و بالاخره اینکه، هنگامی که از امنیت انتظامی سخن می‌رود، مقصود امنیت چه چیزی در مقابل چه تحول یا کدام تحرک است.

برای درک مقصود و مسئله اصلی پژوهش، بهتر است که عبارت امنیت انتظامی در قالب معنایی و اصطلاحی خود، ایضاح شود. «امنیت» مورد نظر در این عبارت، همان معنای عام امنیت است یعنی رهایی از خطر و توانمندی برای بالندگی. یعنی یک فرد به‌عنوان انسان یا یک گروه انسانی یا یک واحد سیاسی هنگامی از امنیت برخوردار است که **اولاً** خطری، فیزیک و موجودیت آن را تهدید نکند (امنیت سلبی) و **ثانیاً** آن موجود مفروض (در قالب یک فرد، گروه یا ملت - دولت) بتواند با استفاده از وضعیت عدم هراس (اطمینان خاطر)، استعداد و هنر خود در تبدیل محیط و تمهید آرامش را به‌کار گیرد و بتواند علاوه بر حفظ و تداوم وجودی خویش، نگرش و خواست خود را مطرح و ابراز نماید. واژه دوم در عبارت «امنیت انتظامی» پسوند/انتظامی است که در زبان عرب برگرفته از نظم بوده و در باب افتعال، به قالب انتظام درآمده است. واژه نظم بر "الگوی پایداری از ترتیبات اجتماعی" دلالت دارد که هم به لحاظ ساختاری و هم از نظر کارکردی به‌گونه‌ای آرایش می‌گیرد و هدفمند است که با گذر زمان امکان همکاری را تسهیل و زمینه بروز خشونت بی‌دلیل را به حداقل می‌رساند. به‌عبارت دیگر، اگر ساختار اداری یک سازمان به‌گونه‌ای شکل بگیرد که در آن گروهی از کارکنان، مسئول شنیدن تقاضای مراجعین باشند و گروه یا مجموعه‌ای دیگر بر شیوه انجام صحیح این تعامل نظارت داشته باشند، آن ساختار، کارکرد درستی دارد و تداوم این نظم، سبب تثبیت قانون‌مندی می‌شود. اما وضعیت بی‌نظم یا آشفته، ناظر بر وضعیتی است که در آن مسئولیت‌ها و اختیارات به‌شیوه مناسب و کارآمدی توزیع نشده است. طبعاً در چنین مواقعی عوامل دیگری نظیر شهرت، زور، خویشاوندی و نفوذ، جایگزین ضوابط اداری خواهد شد، ساختار، کارکرد خود را انجام نخواهد داد و با گذشت زمان، آشفستگی بی‌نظمی جای قانون را خواهد گرفت. نظم (به معنای الگوی پایداری از ترتیبات اجتماعی که به‌لحاظ ساختاری و کارکردی منطبق بر قانون است و آن را تثبیت می‌کند)، در وزن افتعال عربی، انتظام می‌شود. قول غالب در ادبیات عرب این است که باب افتعال به‌جهت با کوشش اطلاق می‌شود. به‌عنوان مثال وقتی گفته می‌شود اکتساب زید یعنی زید اکتساب کرد. مصدر ثلاثی مجرد اکتساب، کسب است که در وزن افتعال به اکتساب بدل می‌شود و بر به‌دست‌آوردنی دلالت دارد که مبتنی بر کوشش است. به‌عنوان نمونه دیگر، در

سوره مبارکه اعراف آیه ۲۰۴ آمده است: و إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ، فَاسْتَمِعُوا لَهُ و انصتوا [زمانی که قرآن تلاوت می‌شود، به آن گوش فرا دهید و ساکت باشید]. کلمه استماع در باب افتعال به معنای گوش دادن ارادی است نه شنیدن غیر ارادی. مشابه چنین قاعده‌ای در زبان انگلیسی هم وجود دارد. در زبان انگلیسی هم کلمه listening به معنای گوش دادن [آگاهانه و ارادی] است و Hearing به معنای شنیدن است که لزوماً ارادی و آگاهانه نمی‌باشد. بنابراین، هر فعلی که در باب افتعال صرف می‌شود بر مطاوعه (اثرپذیری) دلالت می‌کند مانند اعتکاف (از ریشه عکف به معنای اقامت)، که بر انتخاب و اختیار اقامت در جایی دلالت می‌کند و به فعل با کوشش و قصدمندانه دلالت دارد. همینطور است کلمه اصطفاء [از ریشه صَفَوَ]، باب افتعال صَفَوَ، صاف کردن چیزی یا شخصی از ناخالصی‌ها و آلودگی‌هاست. امنیت انتظامی، بر نظمی دلالت دارد که طبیعی، از پیش موجود و خودکار نیست، بلکه مبتنی بر قصد، برنامه و سیاست روشن و برای رسیدن به هدفی از پیش تعیین شده است. به سخن دیگر، رسالت و دغدغه اساسی امنیت انتظامی این است که مجموعه‌ای پایدار از ترتیبات اجتماعی، نهادینه شود که در پرتو آن ساکنان جامعه (اعم از فرد، گروه، اقشار اجتماعی و ...) ضمن رهایی از خطراتی که سلامت و وجود جسمانی آنها را تهدید می‌کند، بتوانند موقعیت فیزیکی، نهادین و هویت خود را ارتقاء بخشند. به عبارت واضح‌تر، در امنیت انتظامی سه گزاره اساسی زیر مطمح نظر است:

یک. مرجع امنیت انتظامی، افراد (امنیت فردی)، گروه‌ها (امنیت جامعه‌ای) و دولت- ملت (امنیت ملی) است. دو. مجموعه‌ای از تحولات عادی (مانند مدرنیزاسیون) و تحرکات عمدی (مانند گروگان‌گیری)، سلامت و هویت مراجع فوق را در معرض مخاطره قرار می‌دهد. سه. نیروهای انتظامی به‌عنوان کارگزاران رسمی و شناخته‌شده امنیت انتظامی، به‌صورت هدفمند و آگاهانه در پی تبلور و تثبیت نظم در جامعه هستند تا از خشونت بی‌دلیل، اجتناب و شرایط همکاری - در جامعه - تسهیل گردد.